



درج مقالات مخالف اقدام کند که از جمله مهم ترین آن مقالات ، پاسخ آیه الله مرتضی مطهری بود که عین مقاله را از نظر شما می گذرانیم :

« پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۰ - کیهان »

در فیلم محلل ، ماجرای محلل ، سراسر قلب ، مسخ و تحریف است

آیت الله شهید مرتضی مطهری

پیغمبر اکرم مردی را که کار تکرار طلاق را به محلل بکشاند و نیز شخص محلل را لعن کرده است .

همانطوری که همه خوانندگان محترم اطلاع دارند در چند هفته پیش اعلانی وقیح و بسیار زننده در روزنامه ها دیده می شد که علاقمندان به عفت عمومی ساخت ناراحت کرده بود و غالبا " درباره زندگی آن اعلان صحبت می کردند . از قرائن پیدا بود که بنا است فیلمی تحت عنوان "محلل" نشان داده شود و هدف فیلم هم از اول معلوم بود . طولی نگشید که شنیدیم آن فیلم آغاز شده و در بسیاری از سینماهای پایتخت و شهرستان ها نشان داده می شود .

از وقتی که این فیلم شروع شده روزی نیست که آشنایان دور و نزدیک حضورا " یا بوسیله تلفن مکرر به این بنده مراجعه نکنند و درباره اثر گمراه کننده آن سخن نگویند و چاره جوئی نخواهند .

عقیده آنها این بود که هرچند این فیلم از نظر هنری و فکری مبتذل است اما نظر به اینکه طوری تنظیم شده که قانون "محلل" را که در قرآن مجید به آن تصریح شده است ، بی پایه و ستمگرانه جلوه می دهد و طبعا " در روحیه طبقه جوان که از ماهیت و فلسفه آن بی خبرند اثر بسیار بدی می گذارد لازم است لاقلا در مقاله ای به آن پاسخ داده شود و ماهیت حقیقی این قانون توضیح داده شود .

من نمی خواستم در این باره چیزی بنویسم . عذرم این بود که نقد یک فیلم کار من نیست ، اگر در این زمینه چیزی بصورت کتاب یا مقاله منتشر شده بود اظهار نظر من صحیح بود ، نه چیزی که بصورت فیلم ارائه داده شده و اطلاعات من درباره آن منحصر است به یک سلسله مسموعات . دوستانی که فیلم را دیده بودند بعضی بطور خلاصه و

بعضی بطور تفصیل متن فیلم را روی کاغذ آوردند و در اختیار من قرار دادند و عذر مرا قطع کردند. و بهر حال پای مطلبی در میان است که در نص آیه کریمه قرآن بسندان تصریح شده. من پیاده شده آن فیلم را بروی کاغذ خواندم، دیدم سراسر قلب و مسخ و تحریف است، چه از نظر قانون محلل و چه از نظر واقعیاتی که در جامعه ما در گذشته و حال جریان داشته و دارد، تهیه کننده فیلم از آنجا که نظر تبلیغاتی داشتند و نمی توانسته با خود واقعیت مواجه گردد، ارائه عین واقعیت از وجهه تبلیغاتی که او در نظر داشته است نتیجه معکوس می داده یعنی به نفع قانون محلل تمام می شده است ناچار برخلاف اصل صداقت رفتار کرده است. هم قانون محلل رامسوخ کرده است. هم صحنه هائیی ساختگی که مشابه آنها هیچوقت در جامعه ما وجود نداشته و ندارد آفریده است. در حقیقت به جامعه ای که خود در آن زندگی می کند و عضوی از آن بشمار می رود افترا بسته و بهتان زده است. وظیفه یک فیلمساز اینست که جریانات واقعی را روی صحنه بیاورد و انتقاد کند نه آنکه صحنه هائی صد درصد خیالی از خود بسازد و به دروغ جامعه خود را متهم سازد و موجبات گمراهی افکار را نسبت به جامعه فراهم کند. اینست که این فیلم گذشته از جنبه اسلامی، از جنبه ملی نیز یک خیانت است.

من این مطلب را از دو جنبه مورد بحث قرار می دهم: یکی از نظر قانون اسلامی و دیگر از نظر تطابق فیلم با واقعیتهای و جریان های اجتماعی، اما از نظر اول:

قانون محلل در اسلام از توابع قانون طلاق است، نوعی مجازات عاطفی است در مورد طلاقهای مکرر، تدبیری است از مجرای احساسات برای جلوگیری از تکرار طلاق، آمارها و تجربه ها نشان می دهد که این قانون اثر فوق العاده در جلوگیری از طلاق داشته است.

طلاق از نظر اسلام "حلال مبعوض" است، پیغمبر اکرم در روایتی که شیعه و سنی بالاتفاق روایت کرده اند فرمود: "مبعوضترین حلالها در نزد خداوند طلاق است" و هم آن حضرت فرمود: "از دواج کنید و طلاق ندهید که عرش الهی از طلاق میلرزد". یعنی چه طلاق حلال مبعوض است؟ یعنی در عین اینکه در حد یک حرام منفور و مبعوض است، اسلام مانع اجباری در جلو آن قرار نمی دهد و این خود از یک فلسفه کلی درباره پایه نظام خانوادگی ریشه می گیرد که مورد توجه اسلام است. از نظر اسلام علقه زوجین یک علقه طبیعی است و مکانیسم خاص دارد، علاقه زوجین بیکدیگر با اینکه

طرفینی است به این شکل است که از جانب مرد آغاز می شود و علاقه زن به مرد از نوع پاسخگویی است ، بهمین جهت مقام زن در محیط خانواده مقام یک محبوب و مـراد است . اسلام تدابیری از مجرای عواطف به کار می برد که نظام خانوادگی بر همین پایه محفوظ بماند یعنی شعله عشق و علاقه مرد همیشه روشن باشد و زن نیز پاسخگوی آن بوده باشد . آنچه از نظر اسلام مبعوض و منفور است اینست که شعله خاموش گردد و کانون خانوادگی به سردی گراید ، اما اگر احیانا " به اینصورت درآمد و زن در قلب مرد سقوط کرد دیگر نباید زن را بزور به مرد چسبانید ، زنی که بزور هـم مرد تحمیل شده باشد حالت امام جماعتی را دارد که اهل محل به او ارادت نمی ورزند و او با زور پاسبان می خواهد خود را مقتدای مردم کند . اسلام هر کوشش اجباری را برای بقاء زن در چنان محیطی لغو و بیهوده و برخلاف اساس روابط خانوادگی بر حاکمیت متقابل زن و مرد است یعنی حاکمیت زن بر مرد از لحاظ عاطفی و احساسی و حاکمیت مرد بر زن از لحاظ ریاست در محیط خانواده و اداره امور آن . اینست که طلاق از نظر اسلام درعین اینکه سخت مبعوض و منفور است حلال است ، یعنی آنجا که تدابیر مختلف برای بقاء علقه زوجین مفید نیفتاد چاره ای نیست جز طلاق .

یکی از تدابیر عاطفی که اسلام برای جلوگیری از طلاق بکار برده است که نوعی مجازات است قانون محلل است ، اگر مردی زن خود را طلاق داده و بعد در عده رجوع کرد و یا بعد از انقضاء عده با او ازدواج کرده آنگاه بار دیگر او را طلاق داد و باز در عده رجوع کرد و یا بعد از انقضاء عده با او ازدواج کرد ، سپس برای نوبت سوم طلاق را تکرار کرد دیگر حق ندارد برای بار چهارم با آن زن ازدواج کند ، مگر آنکه آن زن با مرد دیگری ازدواج کرده باشد و آن ازدواج بطور طبیعی منجر به طلاق یا فوت زوج شده باشد ، آن ازدواج دیگر قطعا " باید دائم باشد نه موقت و هم باید ، عادی و طبیعی باشد یعنی نمی توانند از اول بشرط طلاق ازدواج کنند .

در سوره مبارکه بقره آیه ۲۲۹ می فرماید : " طلاق فقط دوبار است ، سپس یا سه شایستگی نگهداشتن و یا به نیکی رها کردن " قرآن بعد توضیحی درباره مهر می دهد که مرد حق ندارد از مهر چیزی پس بگیرد مگر بعنوان خلع و آنگاه می گوید : " اگر نوبت سوم آن زن را طلاق داد دیگر آن زن بر آن مرد حلال نمی شود تا آن زن با مرد دیگری ازدواج کند ، اگر آن مرد دیگر آن زن را طلاق داد مانعی نیست که زن و مرد اول بار دیگر ازدواج کنند بشرط آنکه گمان ببرند حدود خدا را بپا می دارند و بشرائط عمل می کنند ، اینها است مقررات و حدود الهی برای مردمی که می دانند " .

پس معلوم شد با گفتن اینکه برو زن مرا سه طلاق کن نه زن سه طلاقه می شود و نه نیازی به محلل پیدا می شود نیاز به محلل آنگاه پیدا می شود که طلاق سه بار تکرار شود و پس از طلاق سوم این مجازات برقرار می شود. اما در این فیلم چنین وانمود شده که با گفتن اینکه برو زن مرا سه طلاق کن دفتردار می تواند زن را سه طلاقه کند و بعد هم چاره‌ای جز محلل نیست.

از امام هشتم درباره فلسفه این حکم پرسش شد که به چه علت اگر مردی سه بار زن خویش را طلاق داد دیگر آن زن بر او حرام است مگر آنکه مرد دیگری با آن زن ازدواج کند و طلاق دهد یا بمیرد. امام فرمود برای اینکه آن مرد سه بار در کاری وارد شده که مورد کراهت خداوندی است، خداوند به این سبب این مجازات را مقرر کرد که مردم طلاق را سبک شمارند و زنان را آزار نرسانند. یعنی بدانند مانند جامه ای نیست که مرد هر ساعتی خواست آن را بپوشد و هر ساعتی خواست آن را بکند.

اکنون شما در مورد طلاق چه می گوئید، یا باید نظر کلیسای کاتولیک را بپذیرید که چون ازدواج پیمان مقدسی است طلاق بهیچوجه نباید در کار باشد و یا باید نقطه مقابل آن را قبول کنید یعنی طلاق را آنقدر سبک بشمارید که در هر شرایطی این پیمان قابل فسخ باشد و عملاً "هر مرد و هر زن در طول عمرش دهها بار ازدواج کند و طلاق بدهد و طلاق بگیرد، آنچنانکه در زندگی هنرپیشگان هولیوود دیده می شود. و یا بالاخره می پذیرد که جلو طلاق را بکلی نباید گرفت و با زور هم نمی توان اجتماع خانوادگی را که یک اجتماع طبیعی و عاطفی است حفظ کرد. پس همه تدابیر را چه بصورت تشویق و چه بصورت مجازات از طریق همان عواطف باید بکار برد، قانون محلل چنین تدبیری است.

قانون محلل تاثیر بسزائی داشته است در جلوگیری طلاق، همواره به شکل یک تهدید دردناک جلو چشم مردان بوده است، مردانی که یک درصد احتمال می داده اند که به سراغ زن اول خود خواهند رفت از مباردت به طلاق سوم خودداری می کرده اند، و بهمین دلیل است که بسیار کم اتفاق افتاده است که چنین نیازی پیدا شود و کار به محلل بکشد، هرکدام از ما در طول عمر خود یا اصلاً "طلاق" را که نیاز به محلل پیدا کرده باشد سراغ ندارد و فرضاً "سراغ داشته باشد حتماً" از یک واقعه و دو واقعه تجاوز نمی کند.

● کدام مجازات است که اینقدر قدرت جلوگیری داشته باشد.

این نکته را اضافه کنم که در اسلام "مطلقیت" و "ذواقیت" یعنی اینکه کسی مکرر زن بگیرد و طلاق دهد و باز زنان دیگر، و بخواهد زنان متعدد را بچشد و تجربه کند سخت نهی شده و عملی مبعوض خداوند معرفی شده است. و همچنین محلل واقع شدن، پیغمبر اکرم در روایتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند هم مردی را که کار طلاق را به آنجا می‌رساند که نیاز به محلل پیدا شود لعنت فرمود، هم خود محلل را و البته مقصود از لعن محلل موردی نیست که ازدواج و طلاق محلل بصورت طبیعی و عادی صورت گرفته باشد، مقصود جایی است که شخصی فقط بمنظور یک لذت موقت ازدواج کند.

اما از نظر دوم، یعنی از نظر جریانات و واقعیاتی که در جامعه ما می‌گذرد، آیا واقعا "آنچه در جامعه ما می‌گذرد ولو در میان طبقه به اصطلاح بازاری، همان است که در این فیلم ارائه داده شده است و یا این فیلم صرفا" خواسته افترائی ببندد و توهینی وارد کند.

اولا "آیا قانون محلل که همانطوری که گفتیم یک مجازات است برای جلوگیری از طلاقهای مکرر عملا" از عهده جلوگیری برنیامده و در نتیجه دائما "زنها سه طلاقه می‌شوند و نیاز به محلل پیدا می‌شود و در نتیجه علاوه بر افراد عادی گروهی محلل حرفه‌ای همیشه وجود داشته و دارند که کارشان اینست و حتی نرخشان هم معلوم است. تا آنجا که حاجی بازاری وقتی که به یکی از مساجد می‌رود می‌بیند همان محلل‌های حرفه‌ای باهم درباره شغلشان و درآمدشان در ماه صحبت می‌کنند.

آیا اینطور است و یا تهیه‌کننده فیلم نظرش صرفا "توهین به جامعه ایرانی است؟

ثانیا "آیا تا کنون کسی شنیده است که در دستورات مذهبی وارد شده باشد و یا عملا" در جامعه ما کسی دیده باشد که زنان هنگام هم سخن شدن با بیگانه انگشت خود را به دهان خود کنند و وضع مضحکی بوجود آورند. آیا جز اینست که تهیه‌کننده فیلم خواسته است جامعه ما را برخلاف آنچه بوده و هست معرفی نماید.

آنچه در قرآن مجید آمده و زنان با تقوای ما عملا" به آن رفتار کرده‌اند و دستوری است بسیار معقول و منطقی این است که زنان هنگام هم سخن شدن با بیگانگان با عشو و ناز و تحریک آمیز که هوس بیمار دلانرا تحریک می‌کند سخن نگویند. این کجا و آن وضع مضحک کجا؟

بالتر اینکه در این فیلم آنجا که زن مطلقه به عقد همسایه درمی آید شوهر سابق برای اینکه مانع همخوابگی آنها شود از وسیله‌ای استفاده می‌کند که اروپائیان آن را کمر بند عفت می‌نامند یعنی یک شلوار زرهی فلزی قفل دار. در قرون وسطی شوالیه های اروپا که به زنان خود اعتماد و اطمینان نداشتند در غیاب خود که به سفر می‌رفتند از این شلوارها برای زنان خود استفاده می‌کردند و کلید آن را با خود می‌بردند، این عدم اعتمادها و این رسمها و این شلوارها در جامعه ما هرگز وجود نداشته و حتی یک نفر از مردم ما آنرا نمی‌شناسند، هرکس شنیده فقط از قرون وسطای اروپا شنیده اما تهیه کننده فیلم چنین وانمود می‌کند که در جامعه ما وجود داشته و دارد و اگر فرنگیها در شش هفت قرن قبل در میانشان معمول بوده است، در جامعه ما هنوز هم بقایایش هست.

آیا اگر یک خارجی این فیلم را ببیند جز این می‌فهمد که استفاده از کمر بند عفت در ایران معمول بوده و هنوز هم در میان طبقه‌ای از آنها معمول است.

تهیه کننده فیلم از یک طرف اجراء قانون محلل را آنقدر جاری و ساری می‌داند که گروهی محلل حرفه‌ای برایش می‌تراشد و از طرف دیگر یک فرد بازاری را که معمولاً بیش از دیگران از مسائل دینی مطلع است از وجود چنین قانونی بی‌خبر اعلام می‌کند. تهیه کننده فیلم قهرمان فیلم خود را یک بازاری قرار می‌دهد و آنگاه بدون توجه به روحیه صنفی و طبقه‌ای او که محافظه کارانه است و مانند هر سرمایه دار دیگری مشکلات خود را زیرکانه حل می‌کند، کارد به دستش می‌دهد و او را وادار به عربده کشیدن می‌کند که لکه ننگ را جز با خون نمی‌شود پاک کرد.

قهرمان فیلم بازاری و متدین است و او از طرفی تنها وجدانش این مشکلات را بوجود آورده است و او در جستجوی راه حلی وجدانی است و اگر نه از نظر قانونی هیچ مانعی در کارش نیست از طرف دیگر کوشش می‌کند که عملاً "از اجراء قانون محلل، شانه تپه کند، گاهی بدنبال کسی می‌رود که ناتوانی جنسی داشته باشد و گاهی از کمر بند عفت استفاده می‌کند.

دفتردار ایرانی هم آنقدر بی‌خبر است که نه می‌داند اذن طلاق در حال عصیانیت کافی نیست و نه می‌داند طلاق شرائطی دارد و طبعاً "تا شرائط حاصل شود چند روز و گاهی یک ماه یا بیشتر اجراء صیغه تأخیر می‌افتد و احیاناً "زوجین در (این) بین آشتی می‌کنند و نه می‌داند که معنی سه طلاقه کردن اینست که طلاق باید سه نوبت متوالی که بین دوبار رجوع صورت گرفته باشد و یا عده منقضی شده باشد صورت بگیرد.

آخرکار هم ناراحتی وجدانی شرعی قهرمان فیلم با بهانه قرائت نشودن
طلاقنامه که صرفاً " برای فرار از قانون می‌تواند بهانه باشد تا برای راحتی وجدان ،
برطرف می‌شود .

نمی‌توان گفت که تهیه‌کننده فیلم اینها را نمی‌دانسته و این تناقضات را درک -
نمی‌کرده است ، ولی یک فیلم تبلیغاتی از این تناقضات که کمترین اثرش ابتذال
هنری است نمی‌تواند خالی باشد .

در پاسخ به مقاله آیه الله مطهری نصرت کریمی پاسخی را تدارک دید و روزنامه
کیهان در روز ۱۳۵۰/۱۲/۲ آنرا به چاپ رساند :

فیلم محلل دفاع از موازین دین و حمله به شیادان است

جناب آقای مرتضی مطهری

مقاله مستدل و سودمند جنابعالی را در کیهان و مقاله آقای محمد جنازاده راتحت
عنوان (نکاح های حرام) که در جریده ندای حق بچاپ رسیده است به دقت مطالعه
کردم .

همچنین شنیدم که آقایان و عاظم محترم در سخنرانی های خود به فیلم محلل
اشاره فرموده و محتوای این فیلم را صادقانه مورد انتقاد قرار داده‌اند قبل از هرگونه
توضیحی می‌خواهم از تمام آقایان علما و روحانیون که درباره فیلم محلل سخن گفته‌اند
از صمیم قلب تشکر کنم زیرا معنقدم سینما یکی از پدیده های لاینفک زندگی انسان های
معاصر است و سکوت کردن درباره سینما در حکم برسمیت نشناختن آن است . اکنون این
سکوت شکسته است .

گفتگوئی درباره فیلم محلل بصورت مخالف و موافق درگرفته است و بنده حـق
دارم بعنوان نویسنده و سازنده فیلم در این گفتگو شرکت کنم .

مقدمتا " لازم می‌دانم به اطلاع آقایان علما و روحانیون و عموم مسلمین برسانم
که اینجانب نصرت اله کریمی فرزند حاجی عزیزاله کریمی از کودکی در خانواده مسلمان
شیعه اثنی عشری تربیت شده بدین مبین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری معتقدم و با
هرگونه پیرایه های غلط و زنده که ساحت مقدس این شریعت را لکه دار کند از طریق
وسائل ارتباط جمعی که یکی از آنها هم سینماست مبارزه می‌کنم .

موضوع محلل گرفتن و محلل شدن یکی از این موارد زننده است که خلاف شرع اسلام است زیرا طبق نص صریح آیه ۲۲۹ از سوره مبارکه بقره زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یکنفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر آنکه به عقد دائم ، به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت ، فراق حاصل شده باشد .

این قانون مقدس الهی که برای تهدید مردان بوالهوس نازل شده است چه ربطی به محلل قراردادی که در واقع یک کلاه شرعی علنی است دارد .

محلل گرفتن به این شکل که قبلاً " با طرف قرار بگذارند که در مقابل وصول وجهی زوجه را مطلقه کند خلاف شرع است و همینطور سه طلاق اگر در یک مجلس انجام شود خلاف شرع و باطل است و بنده در فیلم محلل به این گونه خلفای شرعی حمله کرده ام .

می فرمائید چنین خلاف شرعی تا بحال واقع نشده توجه شما را به عکس محلل با مخبر اطلاعات و مطالب مندرجه در شماره ۱۴۷۰۴ صفحه ۱۳ روزنامه اطلاعات به تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۵۰ جلب می کنم .

(آقای نجات چنان از خود بیخود شد که دست همسرش را گرفت و به دادگاه خانواده برد " در اینجا مخبر چند نقطه گذارده یعنی پس از صدور رای دادگاه او را به محضر رسمی برد " و سه طلاقه کرد) .

این خبر نشان می دهد که در همین زمان معاصرا وجود دادگاه خانواده بعضی از سردفتران مرتکب اعمال خلاف شرع می شوند و به حیثیت و اعتبار دیگر سردفتران شریف و مسلمان واقعی لطمه می زنند .

در همین شماره روزنامه اطلاعات در صفحه ۱۶ عکس و تفصیلات دختر دوازده ساله ای به چاپ رسیده است که در قزوین با شناسنامه خواهرش بعقد مردی درآمده و در شب زفاف بعلت عدم توانائی جسمی دچار خونریزی شدید شده و در بیمارستان بستری است .

در پایان این خبر پزشک معالج این دختر خانم دکتر پوراندخت میرصناعتی اظهار داشته اند :

گاهی دخترانی که بیش از یازده دوازده سال ندارند با تبانی پدر و مادرها و با کمک سردفترهای ازدواج بعقد هم درمی آیند و اوضاع اسف انگیزی بیار می آورند — دختران کم سال بعد از ازدواج دچار عوارض روانی و جسمانی می شوند که گاهی این بیماریها بصورت اختلال حواس و جنون نمودار می گردد .

حالا اگر بنده این خبر واقعی را محور سناریوی فیلم آینده خود قرار دهم و عمل آن سردفتر خاطی را ملامت کنم آیا خدای نکره به اسلام حمله کرده‌ام؟ یا بـــــــه محضرداران محترم قصد توهین داشته‌ام؟ هرگز چنانکه مخبر روزنامه اطلاعات هم چنین قصدی نداشته است بلکه یک مورد خلاف شرع را به اطلاع عموم رسانده تا باعث عبرت دیگران گردد.

از جناب آقای مطهری تقاضا دارم بگوشه‌ای از مقاله عمیق و مستدل آقای محمد جنابزاده که در جریده شریفه اسلامی (ندای حق) درج شده است توجه فرمایند ایشان اینطور می‌نویسند:

(بحث اینکه زن مطلقه در جریان عادی و طبیعی شوهر کند و شوهر او درگذرد و بمیرد یا زن خود را طلاق دهد از روش محلل جداست اگر با صورت سازی این عمل انجام گیرد غیرت مردی و مردانگی کجا می‌رود؟)

آقای جنابزاده در جای دیگر مقاله می‌نویسد:

(آنگاه که معاونت اداره بازرسی ثبت کل را برعهده داشتم توجه من بیشتر به دفاتر ازدواج و طلاق بود خاطره‌های بسیار اسف آوری از بازرسی‌های خود در ایسن دفاتر دارم که بعنوان "تخلخل رجعتین" به فاصله چند دقیقه طلاق اول و دوم و سوم داده می‌شد و بعد داستان محلل به میان می‌آمد.

شرایط بسیاری در صحت طلاق وجود دارد که رعایت نمی‌شود ولی این "ابغض الاشیاء" دکان سوداگری برای شیادان گردیده است آیا هیچگاه دستور قرآن کریم در اجرای قانون شقاق رعایت شده است؟ جواب منفی است.

در اینجا توجه جناب آقای مطهری را به گفته خود ایشان جلب می‌کنم کـــــــه می‌فرمایند:

فلسفه یک فیلمساز اینست که جریانات واقعی را روی صحنه بیاورد و انتقاد کند نه آنکه صحنه‌هایی صددرصد خیالی از خود بسازد (قبول دارم که بنده سه طلاقه کردن در یک مجلس را که طبق شواهد بالا از جریانات واقعی و خلاف شرع است نشان نداده و به سرعت از آن گذشته‌ام اما فکر نمی‌کنید که اگر این واقعیت را نشان می‌دادم درگیری بیشتری بوجود می‌آمد و شاید خود شما ناسزاهای بیشتری نثارم می‌کردید.

جناب آقای مطهری شما مسلمانی هستید با فضل و دانش و مصلح اجتماعی بنده بارها از سخنرانی‌های شما سود برده‌ام اما این را هم بپذیرید که بنده هم مسلمانی هستم نه چندان بیسواد و هرگز علیه معتقدات خودم قیام نخواهم کرد.

شما از طریق تریبون سخنرانی و گفتار سودمند به ارتقای اخلاق و نیازهای روحی جامعه کمک می‌کنید و من از طریق اکران سینما مطالب سودمند را در لفافه طنز بصورت تصویر بیان می‌کنم .

هدف یکی است ولی وسیله بیان متفاوت است .

از مقدمه مقاله جنابعالی دستگیرم شد که عده‌ای به شما رجوع کردند و اظهار داشتند این فیلم از نظر هنری مبتذل است و به فقه اسلامی حمله کرده است و جنابعالی به استناد گفته ایشان اقدام به تحریر مقاله فرمودید یعنی در واقع غیاباً بنده را محکوم کردید و بر فیلم محلل ندیده مهر ابتذال زدید . بنده خود جنابعالی را که سالها صاحب منصب عالیترین مرجع قضائی این مملکت بوده‌اید قاضی قرار می‌دهم آیا اینگونه قضاوت از نظر قوانین الهی و قوانین مدنی صواب است ؟

از تصویر سردر سینما انتقاد کردید . قبول دارم . پس از خواندن مقاله شما دستور دادم آن تصویر را سیاه کنند زیرا برای کسی که فیلم را ندیده زننده بنظر می‌رسد . اما این تصویر با تمام زندگی تهدیدی دربردارد برای مردان بوالهوسی که در عصبانیت و بی خبری همسر خود را سه بار مطلقه کنند . این تصویر به اینگونه مردان می‌گوید بر حذر باشید که اگر همسر خود را سه بار مطلقه کنید به مصیبتی اخلاقی گرفتار آئید و مثل اینست که همسر عقیف و نجیب خود را به این شکل و شمایل درآورید . در خانه آن جناب را برای تماشای فیلم محلل به سالن خصوصی دعوت می‌کنم باشد که از راهنمایی‌های برادرانه شما ارشاد گردم .

چنانچه قبلاً آوردیم ، آقای نصرت کریمی از اعتراض کنندگان مذهبی می‌خواست جهت دیدن فیلم به سالن خصوصی بروند چرا که در پاسخ به تمام مخالفان روحانی و مذهبی می‌گفت : آن مسائل که شما می‌گوئید در فیلم نیست و بقول معروف راویان بگونه‌ای دیگر مسأله را بازگو کرده اند .

در چنین زمانی ، روزنامه کیهان ۱۳۵۰/۱۲/۸ مقاله‌ای از آقای شیخ مصطفی رهنما بچاپ رساند که عنوان آن چنین بود " بعداً ز تماشای فیلم محلل در استودیوی خصوصی " این مقاله از آنجهت تاثیرگذار بود که بهانه ندیدن فیلم را از سازندگانش گرفته بودگرچه در برخی از مواضع در این مقاله نرمش‌هایی بچشم می‌خورد ، ولی ملاحظه برخی از قسمت‌های مقاله آقای رهنما ، بی ضرر نیست :

بعد از تماشای " فیلم محلل " در استودیوی خصوصی

نقص اصلی فیلم در همین جاست که بیننده فیلم را درباره حکم اسلام در مورد " شوهر دوم " - یا به اصطلاح " محلل " - به اشتباه می‌اندازد و با آن همه صحنه های نفرت آور و کلمات معترضانهای که در مورد محلل دیده و شنیده می‌شود یک کلمه زودگذر محضردار، نمی‌تواند مقابله کند و اثر بگذارد مثلاً " شما مشاهده می‌کنید گروههایی بنام " جمع محللان " تهیه و جمع آوری و بسیج می‌شوند و وارد منزل حاجی و زن سابقش شمی شده و بدنبال آن معرکه مضحکی براه می‌افتد و زدو خورد مشتمل کننده‌های درمیگیرد این محلل ها از قیافه های مفلوک و عاجزی ترکیب یافته‌اند . . . آیا با دیدن این چنین صحنه‌ای چه تصور ناراحت کننده‌ای از مفهوم محلل و از حکم تعیین محلل برای شما پیدا می‌شود؟ سپس بازی کننده نقش حاجی ناچار می‌شود بهمان همسایه (هادیخان خبازباشی) برای محلل شدن راضی گردد و او هم پس از عقد شمی، شانه ها را بالا می‌اندازد و شمی را همسر دائمی خود معرفی می‌کند و می‌گوید از طلاق ملاق خبری نیست و باز صحنه های مبتذل و تأثرآور شروع می‌شود.

ضرر دیگر این جریانات - که موضوع اصلی فیلم می‌باشد - اینست که در فیلمی که صحبت از روابط خانوادگی و اجتماعی مردم ایران می‌شود و خارجی هم آن را می‌بیند - چه آنهایی که در داخل سکونت گرفته‌اند و چه بوسیله صدور فیلم به خارج کشور - باید حفظ جهات و شخصیت مردم ایران بشود، و این صحنه ها گذشته از اینکه اساس صحیحی ندارد و صرفنظر از اینکه صحنه ها غیرواقعی است و در محیط ما وجود ندارد منافات با این شخصیت دارد، یا آنجا که حاجی نسبت به هاجر (خدمتکارش) توهین روا می‌دارد و وی را از پله ها هل می‌دهد یا آنجا که شوهر می‌خواهد با التهاب زننده‌ای وارد رختخواب همسرش شود و یا زن می‌خواهد در آنگاه از شوهرش استقبال کند و . . . در صورتی هم که نظیر این روش ها در بعضی خانواده ها وجود داشته باشد - نباید به این شکل زننده در فیلم گنجانیده شود، تعصب و قضاوت عجولانه‌ای که پدر درباره دخترش - منیر - نشان می‌دهد (که علت اصلی طلاق و سایر صحنه ها

می شود) و این کارهای غلط را بنام پابندی به عقاید دینی خود انجام می دهد — بیننده را به اشتباه می اندازد کمتر بیننده عادی هست که بداند اسلام چنین تعصب ها را منع کرده (بلکه هر تعصبی را) و برای احراز و ثابت شدن گناه و بی عفتی قواعد معقول و عادلانه ای تشریح کرده و حتی برای آنانکه بی مورد و بی دلیل به متهم کردن اشخاص می پردازند تنبیه بدنی و تعزیر را دستور داده نه اینکه پدری به صرف دیدن سایه ای در منزل خود وحشیانه و بدون بررسی و تعقل بجان همسر و دختر خود ش بیفتد ، تماشاچی عادی فیلم فیلسوف نیست که مو را از ماست بیرون کشد و نتیجه گیری نهائیش از فیلم ، منطقی و بررسی شده باشد او به سینما آمده و نظرش بیشتر این است که پس از کارها و خستگی ها و ناراحتی ها نفسی بکشد و تفریحی کند ، منتها ، این وظیفه سینما و تهیه کنندگان آن است که ضمن این یکی دو ساعت ، خوراک مغزی و آموزشی درستی به او بدهد و اقلاً " دستورات و احکام و وقایع را آنطوری که هست به وی ارائه دهد . عاقد عقد ازدواج و طلاق را چرا بایستی به آن طرز مصحک و با آن معلومات صفر نشان تماشاچی بدهد که حتی بجای لغت " سواد " بگوید " سوات " (بر وزن نکات) و آنقدر بی عاطفه و نامسلمان باشد که بجای اصلاح بین زن و شوهر اقدام به " سه طلاقه " آنها بکند .

آنجا که برای پیدا کردن یک " محلل " غریبه " ، حاجی و خانواده و کس و کارش به اصفهان می روند و یک سیاح خارجی نظرش را جلب می کند و ضمن صحبت با او برای راضی کردنش برای محلل شدن ، سیاح مزبور یک کشیش مبلغ مسیحی پرتستان از آب درمی آید و شروع به تبلیغ می کند بدون اینکه کسی جوابش را بدهد ، او مثلاً " می گویند در مذهب ما بیش از یک زن نباید گرفت و محضردار می گویند در دین ما با چهار زن می توان ازدواج کرد ، و یا آنجا که با وی صحبت از نوع دوستی می شود و شعر سعدی (بنی آدم اعضای یکدیگرند) مطرح می شود و او می گوید این تعلیم مسیح می باشد . در صورتیکه این چند سطر شعر شیخ سعدی یکی از سخنان معروف و مضبوط پیغمبر اسلام (ص) است و سعدی عیناً " از آن ترجمه کرده و بنظم رسا و فصیحی درآورده است .

و اینکه اسلام برای یک مرد یک زن خواسته ، و اگر صحبت از بی اشکال بودن ازدواج با بیش از یک زن شده اولاً " بعنوان تعدیل وضع قبل از اسلام بوده چون بسی از مردها چندین و حتی دهها زن داشته اند و اسلام آن را محدود کرده و پائین آورده ، ثانیاً " در موارد استثنائی از قبیل " نازا بودن همسر " می باشد و من در شماره های ۱۳۴۲/۱۱/۲۰ و ۴۲/۱۱/۲۷ همین روزنامه بتفصیل و مستدلاً " آنرا نگاشته ام .

اكتفاء كنم ، بايد كاري كرد كه بطوري كه آقاي نصرت الله كريمي نوشته اند "سينما در کشور ما از نظر اكثريت يك وسيله تفريحي زيان آور بحساب . . ." مي آيد بحساب نيايد و اين طور نمي شود مگر اينكه تذكراتي كه در بالا داده شد مراعات گـردد و فيلم سازي جنبه واقعا " مثبت و سازنده اي بيايد ، و آنجا كه موضوع فيلم با مسائل اسلامي ارتباط مي يابد تهيه كننده فيلم و استودیوی سازنده آن دقت كافي بعمل آورد ، والا كسي نمي گويد از بدعت ها و عادات نارواي كم و بيش معمول ، انتقاد نشود و هنر از ادای رسالت خود محروم باشد . صحبت و اعتراض بسيار درباره اين فيلم ابراز شده كه بهمين مقدار اكتفا شد .

در پايان ، تهيه فيلم هاي تاريخي و اخلاقي و اسلامي را در جنب فيلم آموزشي و فيلم هاي ديگر به آقاي آشتياني رئيس سنديكاي صاحبان سينما و ساير مسئولين و كارگردانان و هنرمندان توصيه مي كنم - طبعاً " با كادر مناسب و متخصص . پروردگار عالميان همه را توفيق نيكو عطا كند .

همچنانكه گفتيم روزنامه كيهان سعي داشت تا اثر مقالات مخالف را خنثي نمايد ولي فضاي ايجاد شده در جامعه چنان بود كه امكان يكه تازي را به كيهان نمي داد . لذا روزنامه مذكور بقول خودش از ميان مقالات رسیده مقالاتي را برمي گزید و به چاپ - مي رساند كه از آن ميان مقاله اي از خانم مبشري وكيل دادگستري بود كه در تاريخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۵ به چاپ رسيد . ضمن اينكه موضوع مورد بحث ، بهانه خوبي بود تا بنوعي ، مسأله " حقوق از دست رفته زن مسلمان ايراني " را به رخ كشيده باشند و - تلويحا " گفته باشند زنان ، خود بايد از حقوقشان دفاع كنند . همانگونه كه در مقاله خواهيدديد ، بيشتر مطالب در اطراف همين محور دور مي زند .

مفهوم فيلم محلل را عوضی فهمیده اند

آقاي مرتضی مطهری . . . بايد عرض كنم كه فيلم محلل و فيلمها و نوشته هاي نظير آن كه در دهاي جامعه را مي شكافند و معلوم هاي زشت زندگي اجتماعي را بصورت

فیلم در روی پرده سینماها یا لابلای سطور روزنامه ها و مطبوعات بنمایش می‌گذارند ، به ما این فرصت را می‌دهند که زندگی اجتماعی خود را بار دیگر بدقت بررسی کنیم و روی اشتباهات و برداشت های غلط و دیده‌های نادرست قلم بطلان بکشیم .

آنچه می‌خواهم بیان کنم مفایر نظرات شما در مورد تعریف سه طلاقه با آثار و نتایج اجتماعی قانون محلل نیست . شما شاید برای اولین بار در روزنامه تعریف جامعی از طلاق مذکور در اختیار مردم گذاشتید و برای اولین بار مشکلی را که شاید نود درصد ملت مسلمان ایران برداشت غلطی از آن دارند و با دید نادرست به آن می‌نگرند ، مطرح کردیده اما در نگرشی از زاویه دیگر ، همیشه این سؤال مطرح می‌شود که چرا مردم از مسئله سه طلاق پندار غلطی دارند و چنین می‌انگارند که غرض از سه طلاق در قانون شرع ، ذکر سه بار عبارت " طلاق دادم " در هنگام قرائت صیغه طلاق ، یا اقدامی شبیه آن در زمان واحد است . آنچه می‌نگارم صرفاً " یک خیال و تصویر نیست ، بلکه استنتاجی است که اینروزها از بحث درباره فیلم " محلل " که نقل هر محفلی است ، به عمل آمده است . مردم اعم از کسبه یا کارمند ، تحصیل کرده و بیسواد ، زن و مرد از مسئله (سه طلاق) صرفاً " تکرار سه بار عبارت " طلاق دادم " را هنگام جاری شدن صیغه طلاق از جانب زوج می‌دانند . از آنجا که همه پدیده های اجتماعی معلول علت هائی هستند ، و مشهودات باید غور و تعمق کافی بکار برده تا علت العلل کشف گردد و مردم به راه راست و مستقیم هدایت شوند .

بدیهی است ارائه طریق در مسائل شرع از وظایف صاحب نظران مذهبی است ، لیکن شکافتن مسائل اجتماعی که گاه صورت کربیه و زشت بخود می‌گیرد و حتی همانطور که مرقوم داشتید تقریباً " اهانت آمیز جلوه‌گر می‌شود ، وظیفه‌ایست بر دوش همه مردم صاحب نظر و اهل فن .

خاطراتی که پیران قوم از این قبیل طلاقها و مسئله " محلل " دارند و داستان هائی که کم و بیش از گوشه و کنار می‌شنویم و در صفحه حوادث روزنامه ها گهگاه می‌خوانیم ، جای شبهه نمی‌گذارد که اجرای این قانون در گذشته و حتی در زمان حاضر بصورت نادرست انجام می‌گرفته و می‌گیرد . در زمان هائی که عقد و ازدواج در صلاحیت محاضر رسمی نبود تا میزان سواد و صلاحیت علمی و اخلاقی صاحب محضر مورد گواهی مقامات مسئول باشد ، عده‌ای فاقد صلاحیت که بطور صوری اطلاعاتی از مسائل دینی داشته‌اند صرفاً " بخاطر ارتزاق و معیشت به بستن عقد و جاری ساختن صیغه طلاق مبادرت می‌ورزیدند و چه بسا به علت ندانم کاری و بیسوادی مرتکب چنین اعمال خلاف شرع

شده و موجب ظهور محلل های حرفه ای بدانسان که در فیلم نمایش داده شد گردیده اند و مردم نیز کم کم این اعمال خلاف را صحیح دانسته اند و تصویری که از مسئله سه طلاق و محلل به ذهن خود سپرده اند ، زائیده همین رویه غلط بوده است . درست است که امروز جاری ساختن صیغه طلاق به عهده اشخاص واجد صلاحیت گذاشته شده ، ولی آیا ما می توانیم اطمینان داشته باشیم در نقاطی که دفاتر اسناد رسمی وجود ندارد و صیغه طلاق بوسیله اشخاص فاقد صلاحیت جاری می شود تراژدی فیلم محلل تکرار نشود ؟

شما در مقاله خود نوشته بودید (آیا تاکنون کسی شنیده است در دستورات مذهبی وارد شده باشد و یا عملاً "در جامعه ما کسی دیده باشد که هنگام همسخن شدن با بیگانه انگشت خود را به دهان خود کنند و وضع مضحکی بوجود آورند) باید عرض کنم که من خود ناظر صحنه هایی به مراتب مضحکتر و دردناکتر از انگشت به دهان کردن زن بهنگام صحبت با بیگانه بوده ام .

سه سال پیش در دیار خویش شاهد نزاع زن و شوهری بودم . شوهر زن را بقصد کشت کتک می زد و چنان برافروخته و خشمناک بود کسی یارای مداخله نداشت . جریان از این قرار بود که زن در حیاط خانه خود از خانه های قدیمی شهر تبریز و طبیعتاً با دیوارهایی رفیع ، بدون چادر مشغول شستن لباس بوده است . شوهر درحالیکه سخت مشوش و عصبانی بود می گفت که بارها تذکر داده است که زن هنگامی که در حیاط کار می کند هرچند که دیوارها بلند باشند ، چون بالاخره سرنشینان هواپیماها تو را توانند دید باید با حجاب باشد و او تحمل این بی عفتی را ندارد .

چندی پیش در همین شهر تهران در قریه ای دورافتاده از استانی دورافتاده کشور ، ناظر ابلاغ اجرائی بوده ام . مأمور ، برگه اجرائیه را به خانمی ابلاغ کرده بود و می خواست نام او را بنا به وظیفه خود در ذیل نسخه ثانسی تصریح کند . هرچه کوشش می کرد که خانم نام و نام فامیل خود را بگوید ، او خودداری داشت و نام و نام خانوادگی شوهرش را اعلام می کرد که مورد قبول مأمور نبود و اصرار مأمور برای دانستن نام شخص وی بی نتیجه ماند .

بارها شاهد این بوده ایم که مردان زنان خود را بنام پسرانشان و یا بنام (خانه) (منزل) خوانده ، و اجازه نداده اند اسم دختر و زن در ملاء عام برزبانها رانده شود . مردانی را می شناسم که زنها را در خانه زندانی کرده و اجازه خروج نداده اند و تا

توانسته‌اند از روی جهالت و نادانی شخصیت زن را پایمال کرده‌اند و از او موجودی بی دست و پا و بیچاره ساخته‌اند .

بلی ، این پدیده ها و این حوادث مربوط به اصول دین و دستورات مذهب نیست ، این جنایات و اعمال که گهگاه صورت کریه و موهن بخود می‌گیرند ، ناشی از پائین بودن سطح فرهنگ جامعه است . سینما ، مطبوعات ، تلویزیون و رادیو که وسیله ارتباط جمعی هستند موظفند که علل دردهای اجتماعی را بصورت تصویر یا نوشته یا سخن بیسان دارند و اجتماع را برای علاج آن آگاه و آماده سازند .

من بنام یک ایرانی ، در فیلم "محلل" با علم به اینکه در سناریوی آن بمنظور سرگرمی مردم و تجارتنش همانگونه که روش همه فیلمسازان جهان است تا حدی مبالغه بکار رفته ، چیزی جز آنکه دردی را بیان کرده ، ندیدم . این فیلم آنچه را در اجتماع بنام "سه طلاق" می‌شناسند عرضه داشته است . تنها انتقادی که به خاطر می‌رسد اینست که در پایان فیلم ، سناریست می‌بایست بطریقی غلط بودن رویه معمول بامورد تصور را نشان می‌داد و روشن می‌کرد که طلاق سوم باید مؤخر بر دو طلاق دیگر غیر همزمان ، منتهی به ازدواج باشد تا سه طلاق محقق شده ، ازدواج مجدد برای چهارمین بار منوط به مداخله محلل گردد که این خود آموزش درست قانون شرع و عرف به بیننده فیلم بود .

نکته جالب توجهی که در مقاله فوق بچشم می‌خورد ، اشاره به این حقیقت است که واماندگی‌ها و جمود فرهنگ سنتی را نباید بی‌ای دستورات اسلام گذاشت . " بلی این پدیده ها و این حوادث مربوط به اصول دین و دستورات مذهب نیست ، این جنایات و اعمال که گهگاه صورت کریه و موهن بخود می‌گیرند ناشی از پائین بسودن سطح فرهنگ جامعه است . . ." .

بهرصورت نگارنده مقاله چه از روی انصاف ، یا ترس از افکار و احساسات عمومی ، به حقیقتی اعتراف نمود که تا آنزمان جرابد از اعترافش می‌گریختند .

پس از درج مقاله فوق روزنامه کیهان که هر روز مورد اعتراض بیشتر قرار می‌گرفت ناچار از موضع نخستین خود صرف نظر کرد و مقاله‌ای از آقای حسن صدر را در تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۲۵ درج نمود .

در این مقاله مطالبی که عمدتاً " پیرامون حقوق زن در اسلام و اینکه اسلام مقام و منزلت ویژه‌ای برای زن قائل است و نباید بدون تحقیق دستورات ادیان و مکاتب دیگر را بعنوان دستور اسلام تلقی نمود وجود داشت ، بعنوان یک مقاله مخالف با